

در نماز از ساهون نباش

AbbasDavudi.ir

خداوند کریم در قرآن مجید می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ - وویل برای نمازگزاران است». «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ - کسانی که در نمازشان ساهون هستند»

ویل چیست؟

«ویل وادی است در دوزخ^۱، قعر آن دورتر و آتش آن گرم‌تر و و عذاب آن سخت‌تر و ماران و کژدمان آن بیشتر (از هر جایی است) و - تنادی کلّ یوم الهی قد اشدّت حرّی و بُعد قعری و کثرت حیاتی و عقرای بی‌فالی اهلی - آواز می‌دهد هر روز که بار خدایا گرمای من در نهایت است و قعر من بسیار دور است و ماران و کژدمان من کثیر است و طاقتم به‌سر رسیده، اهل مرا به من رسان^۲».

«این چاه در قعر جهنم (واقع شده) و تمام آتش جهنم از آن بیرون می‌آید و از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل است که در قعر آن چاه تابوتی است که در آن چهارده نفر معذب هستند، هفت نفر از پیشینیان و هفت نفر از ملحقیان (کسانی که بعد از زمان پیامبر به آن‌ها ملحق می‌شوند) هفت نفر پیشینیان:

قابیل، پی‌کننده ناقه صالح، نمرود، شداد، فرعون، هامان و قارون (هستند) اما هفت نفر لاحقیان را بیان نفرموده فقط به‌حاضرین فرمود که شما جزو آن هفت نفر نباشید»^۳

و همچنین از آن حضرت روایت است که: «ویل وادی است در جهنم که به‌قدری گود است که وقتی که کافر را در آن جا افکنند؛ چهل سال^۴ پائین می‌رود و به‌قعر آن نمی‌رسد^۵ و اگر کوه‌ها را درون آن بیندازند، قبل از آن که به قعر آن برسند از شدت گرما نابود می‌شوند»^۶ «(و آن‌جا) وادی جوشانی است از چرک و خون جهنمیان»^۷

«و در اخبار رسیده هر جا در قرآن تهدید به‌ویل شود مقصود همان چاه است»^۸

۲۸) وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۲۴

۲۹) وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۱۴

۳۰) تحف العقول، النص ص ۱۱۲

۳۱) بحار الانوار ج ۲ ص ۱۵۴

۳۲) الأمالی (للدوق) ص ۲۵۶

۳۳)

- بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۵۲ ص ۱۵
مهدی موعود (ترجمه بحار الأنوار) متن ص ۷۳۷
بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۸ ص ۶۰
الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسی) ج ۲ ص ۴۷۹
الغیبة (للطوسی) النص ص ۲۷۱
منتخب الأنوار المزیة النص ص ۱۴۲
بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۸ ص ۶۰
إلزام الناصب فی إنبات الحجة الغائب ج ۱ ص ۳۴۳
إلزام الناصب فی إنبات الحجة الغائب ج ۱ ص ۳۹۶
الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة النص ص ۲۷۱
وسائل الشیعة ج ۴ ص ۲۰۱
۳۴) عالم بزرگوار مرحوم میرزا محمد قمی معروف به «اریاب» که مصحح چاپ دوره بحار چاپ حاج امین الضرب بوده است، مینویسد: مقصود نماز مغرب است، چنان که در روایات دیگر هم آمده است. مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)؛ متن؛ ص ۷۳۸
مانند روایت: وَقَالَ الصَّادِقُ ع - مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخْرَبَ الْمَغْرِبَ طَلَبًا يُضْلِلُهَا وَقِيلَ لَهُ إِنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ يُؤَخَّرُونَ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَشْتَبِكَ النُّجُومُ فَقَالَ هَذَا مِنْ عَقَلٍ عَدُوٌّ لِلَّهِ أَبِي الْخَطَّابِ
امام صادق علیه‌السلام فرمود: ملعون است ملعون است کسی که نماز مغرب را به‌قصد برخورداری از فضیلت بیشتر به‌تأخیر اندازد (یعنی فکر کند وقت فضیلتش موقعیست که ستاره‌ها کاملاً روشن شده باشند)، و به آن حضرت عرض نمودند: اهل عراق نماز مغرب را از وقت مقرر آن به‌تأخیر می‌اندازند تا آن‌گاه که پاسی از شب می‌گذرد و ستارگان بسیار پدیدار شده و آسمان را مشبک می‌سازند، آن حضرت فرمود: این از کارها و بدعت‌های دشمن خدا أبي الخطّاب است.
شرح: «محمد بن مقلص ابو الخطّاب کوفی از سران فرقه گمراه است که مدعی نبوت خویش و ربوبیت امام صادق علیه‌السلام گشت و او را دستگیر کرده کشتند».
من لا یحضره الفقیه؛ ج ۱؛ ص ۲۲۰

پی‌نوشت‌ها

۱) ترجمه میزان ج ۱۴ ص ۱۰۸

۲) تفسیر سور آبادی ج ۴ ص ۲۴۳۶ و ص ۲۷۴۹

۳) أطيّب البیان فی تفسیر القرآن ج ۴ ص ۲۵۰ و ج ۱۱

ص ۸۷ و ج ۱۴ ص ۲۲۳

۴) تفسیر آسان ج ۱ ص ۱۸۲ - گفته شده چهل خریف و بعضی گفته‌اند: خریف نام یکی از فصول سال است - الویل واد فی جهنم یهوی فیہ الکافر أربعین خریفا ثم یهوی فیہ کذلک أبدا

۵) مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۱ ص ۳۸۰

۶) لسان العرب ج ۱۱ ص ۷۳۹

۷) ترجمه مجمع البیان ج ۲۲ ص ۳۴۰

۸) مخزن العرفان در تفسیر قرآن ج ۱۵ ص ۲۷۶

۹) صحیفة الإمام‌الرضا علیه‌السلام ص ۵۸

۱۰) تفسیر نمونه ج ۲۷ ص ۳۶۰

۱۱) ترجمه میزان ج ۲ ص ۶۳۴

۱۲) تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص: ۳۱۶

۱۳) قاموس قرآن ج ۳ ص ۳۴۶

۱۴) ترجمه میزان ج ۲۰ ص ۶۳۶ - امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «"ماعون" زکات واجب است که از آن مضایقه می‌کنند، و به نماز خویش خودنمایی و ریا می‌کنند، و مانع زکات خود می‌شوند.»

۱۵) کمال‌الدین و تمام‌النعمه ج ۲ ص ۵۱۵

۱۶) وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۷

۱۷) صحیفة الإمام‌الرضا علیه‌السلام ص ۶۰

۱۸) جامع الأخبار (للشیرازی) ص ۷۳

۱۹) ترجمه میزان ج ۱۴ ص ۱۰۳

۲۰) تفسیر نور، ج ۷ ص ۲۸۸

۲۱) تفسیر نمونه ج ۱۳ ص ۱۰۳

۲۲) تفسیر نور، ج ۷ ص ۲۸۸

۲۳) همان ص ۲۸۹

۲۴) فلاح‌اللسان و نجاج‌المسائل ص ۲۲

۲۵) اصول کافی ج ۳ ص ۲۶۹

۲۶) مستدرک‌الوسائل ج ۳ ص ۲۵

۲۷) مستدرک‌الوسائل ج ۳ ص ۲۵

۱) کافران - وَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ (ابراهیم/۲) فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا (مریم/۳۷ - ص/۲۷ - ذاریات/۶۰)

۲) مشرکین - وَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ (فصلت/۶)

۳) ظالمین - فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا (زخرف/۶۵)

۴) کسانی که کتاب و مطلبی از خود می‌نویسند و آن را به خدا نسبت می‌دهند - فَوَيْلٌ

لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ (بقره/۷۹)

۵) کسانی که خدا و معاد را بر اساس نفس خود وصف می‌کنند - لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ (انبیاء/۱۸)

۶) کسانی که دل‌هایشان در اثر غفلت از یاد خدا سخت گردیده - فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ

مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ (زمر/۲۲)

۷) تمام دروغگویان گنهکار - وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ (جاثیه/۷)

۸) تکذیب کنندگان خدا، پیامبر، معاد و... - فَوَيْلٌ لِّیَوْمِنِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (طور/۱۱ - مطفین/۱۰ -

مرسلات/۱۵ و ۱۹ و ۲۴ و ۲۸ و ۳۴ و ۳۷ و ۴۰ و ۴۵ و ۴۷ و ۴۹)

۹) کم فروشان - وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (مطفین/۱)

۱۰) همه‌ی عیب‌جویان مسخره‌کننده - وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (همزه/۱)

۱۱) نمازخوان‌هایی که در نماز سهل‌انگارند - فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (ماعون/۴ و ۵)

۱۲) نمازخوان‌هایی که ریاکاری می‌کنند. فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ... الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ (ماعون/۴ و ۶)

۱۳) نمازخوان‌هایی که اسباب و وسایل مورد نیاز را (مانند وام، زکات، صدقه، عاریه، اثاث خانه و

غیره) از دیگران دریغ می‌دارند - فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ... وَ يَمْتَعُونَ الْمَاعُونَ (ماعون/۴ و ۷)

۱۴) ظالم به اهل بیت علیهم‌السلام - پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «

الْوَيْلُ لِظَالِمِ أَهْلِ بَيْتِي عَذَابُهُمْ مَعَ الْمُتَأَفِّفِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ (نسا/۱۴۵) -

ویل برای کسی است که به اهل بیتم ستم روا دارد، عذاب اینان با منافقان در درک

اسفل (پایین‌ترین مرتبه جهنم) از آتش دوزخ است»

توجه مهم

در این نوشتار بنا داشتیم آنچه را که مربوط به آیه ساهون است، نقل کنیم.

تا آن‌جا که ما یافتیم؛ در روایات اهل بیت آن‌چه به صراحت درباره‌ی رعایت نماز و ضایع نکردن آن آمده است، همه اشاره به خواندن نماز در اول وقت دارد که این نشان دهنده‌ی اهمیت موضوع می‌باشد.

اما در برخی روایات به رعایت حدود اشاره شده ولی این‌که حدود چیست گفته نشده است. برای احصاء حدود اشاره شده باید به سراغ روایات دیگری که در آداب نماز است رفت.

با بررسی آن روایات به این نتیجه می‌رسیم که هرچه این حدود بهتر رعایت شود، نماز از عمق بیشتری برخوردار بوده و نشان دهنده اهمیت دادن فرد نمازگزار به نماز است و هرچه کمتر رعایت شود حاکی از بی‌توجهی به نماز خواهد بود.

بعضی از این حدود عبارتند از:

توجه به مقدمات نماز از جمله: لباس، نظافت، مسواک، مکان، بوی خوش، وضوی با توجه، حضور در مسجد و مکان‌های مقدس و...

توجه به آداب باطنی مانند طمأنینه، محافظت از تصرفات شیطانی، نشاط و بهجت، تفهیم اذکار و اوراد به قلب، حضور قلب، طهارت روح، و...

در این خصوص کتاب‌های زیادی توسط علمای بزرگ نوشته شده که بعضی از آن‌ها تحت عنوان «آداب‌الصلوة» است. که می‌توانید به آن‌ها مراجعه کنید.

یکی از بهترین کتاب‌ها در این خصوص «آداب‌الصلوة» نوشته معمار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس‌الله سره‌الشریف است.

ایشان در صفحه ۱۴ این کتاب درباره خضوع در نماز به‌عنوان یکی از مصادیق رعایت حدود می‌فرمایند:

«چون امثال ماها با این حال از نور مشاهدات محرومیم، ناچار باید در صدد تحصیل خشوع از طریق علم یا ایمان بر آییم. قال تعالی: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ. خشوع در نماز را از حدود و علائم ایمان قرار داده، پس، هر کس در نماز خاشع نباشد، به حسب فرموده ذات مقدس حق از زمره اهل ایمان خارج است. و نمازهای ماها که مشفوع با خشوع نیست از نقصان ایمان یا فقدان آن است.

نظر به اهمیت روایت؛ متن کامل آن را به همراه متن عربی آورده‌ایم. در بخش پی‌نوشت‌ها نیز تقریباً سند تمام کتبی که این روایت از آن‌ها نقل شده؛ ذکر کرده‌ایم.

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ رَفَعَهُ عَنِ الزُّهْرِيِّ قَالَ طَلَبْتُ هَذَا الْأَمْرَ طَلَبًا شَاقًّا حَتَّى ذَهَبَ لِي فِيهِ مَالٌ صَالِحٌ فَوَقَعْتُ إِلَى الْعَمْرِيِّ وَخَدَمْتُهُ وَكُرْمَتُهُ وَسَأَلْتُهُ بَعْدَ ذَلِكَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ فَقَالَ لِي لَيْسَ إِلَيَّ ذَلِكَ وَصَوْلٌ فَخَضَعْتُ فَقَالَ لِي بَكَرٌ بِالْفِدَاةِ فَوَافَيْتُ وَاسْتَقْبَلَنِي وَمَعَهُ شَابٌّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا وَأَطْيَبِهِمْ رَائِحَةً بَهِيئَةَ التَّجَارِ وَ فِي كُمِّهِ شَيْءٌ كَهَيْئَةِ التَّجَارِ فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ دَنَوْتُ مِنَ الْعَمْرِيِّ فَأَوْمَأَ إِلَيَّ فَعَدَلْتُ إِلَيْهِ وَ سَأَلْتُهُ فَأَجَابَنِي عَنْ كُلِّ مَا أَرَدْتُ ثُمَّ مَرَّ لِي دُخْلُ الدَّارِ وَ كَانَتْ مِنَ الدُّورِ الَّتِي لَا نَكْتَرُ لَهَا فَقَالَ الْعَمْرِيُّ إِذْ أَرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَ سَلْ فَإِنَّكَ لَا تَرَاهُ بَعْدَ ذَلِكَ فَذَهَبْتُ لِأَسْأَلَ فَلَمْ يَسْمَعْ وَ دَخَلَ الدَّارَ وَ مَا كَلَّمَنِي بِأَكْثَرٍ مِنْ أَنْ قَالَ:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعِشَاءَ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ التُّجُومُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ»

وَ دَخَلَ الدَّارَ. ۳۲

در احتجاج و غیبت، شیخ از کلینی و او با سلسله سند از زهری روایت نموده که گفت: به قدر کافی در جستجوی امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف‌گرددش کردم، و مال زیادی از من در این راه صرف شد. سپس به خدمت محمد بن عثمان رسیدم، و به‌همین منظور مدتی نزد وی به خدمتگزاری پرداختم تا آن‌که روزی، از صاحب‌الزمان علیه‌السلام سراغ گرفتم و او گفت: نمی‌توانی حضرت را ببینی.

من با التماس زیاد مقصود خود را تکرار کردم، گفت: فردا صبح بیا. چون فردا صبح نزد وی رفتم، دیدم جوانی که در زیبایی و خوشبوئی از همه کس بهتر [است] و لباس تجار بر تن داشت؛ با وی است و به هیئت تجار چیزی در آستین دست دارد.

وقتی نظرم به او افتاد، نزدیک محمد بن عثمان رفتم ولی او به من اشاره نمود که به طرف آن جوان برگردم.

من هم به طرف جوان برگشتم و سؤالاتی از وی نمودم و هر چه می‌خواستم به من جواب داد، آن‌گاه رفت که داخل خانه شود، و آن خانه، چندان مورد نظر نبود. [خانه ساده‌ای بود]

محمد بن عثمان به من گفت: اگر می‌خواهی چیزی بپرسی بپرس که دیگر بعد از این او را نمی‌بینی. من هم به دنبال او رفتم که سؤالاتی بنمایم ولی او گوش نداد و داخل خانه شد و جز این دو جمله چیزی نفرمود (یعنی این جمله را دوبار تکرار فرمود):

« ملعون است ملعون است کسی که نماز عشاء را چندان به تأخیر بیاندازد که ستارگان آسمان همچون تیر بگذرند، ملعون است ملعون است کسی که نماز صبح را چندان به تأخیر بیاندازد که ستارگان آسمان ناپدید شوند.»

، و سپس داخل خانه شد. ۳۳

سهو چیست؟

«"ساهون" از ماده "سهو" در اصل به معنی خطایی است که از روی غفلت سرزنند، خواه در فراهم کردن مقدماتش مقصر باشد یا نه، البته در صورت اول معذور نیست، و در صورت دوم معذور است، ولی در این‌جا منظور سهو توأم با تقصیر است.

باید توجه داشت که نمی‌فرماید "در نمازشان سهو می‌کنند" چون سهو در نماز به هر حال برای هر کس واقع می‌شود، بلکه می‌فرماید "از اصل نماز سهو می‌کنند" و کل آن را به دست فراموشی می‌سپرند.

روشن است این مطلب اگر یک یا چند بار اتفاق بیفتد ممکن است از قصور باشد، اما کسی که پیوسته نماز را فراموش می‌کند و آن را به دست فراموشی می‌سپارد، پیدا است که برای آن اهمیتی قائل نیست، و یا اصلاً به آن ایمان ندارد، و اگر گهگاه نماز می‌خواند از ترس زبان مردم و مانند آن است.^۹

« یعنی آن‌هایی که از نمازشان غافلند اهمیتی به امر نماز ندارند، و از فوت شدنش باکی ندارند چه این‌که به کلی فوت شود و چه این‌که بعضی از اوقات فوت گردد، و چه این‌که وقت فضیلتش از دست برود و چه این‌که ارکان و شرایطش و احکام و مسائلش را ندانسته نمازی باطل بخوانند.

در آیه شریفه؛ تکذیب‌گر روز جزا به چنین نمازگزارانی تطبیق شده، چون حرف "فاء" که بر سر جمله آمده می‌فهماند جمله‌ی مزبور نتیجه تکذیب روز جزا است و می‌رساند چنین نمازگزارانی خالی از نفاق نیستند، چون تکذیب روز جزا تنها به این نیست که به کلی آن را منکر شود، کسی هم که تظاهر به ایمان می‌کند و نماز مسلمانان را می‌خواند، اما طوری می‌خواند که عملاً نشان می‌دهد باکی از روز جزا ندارد، او نیز روز جزا را تکذیب کرده.^{۱۰}

خداوند در آیه ۱۱ سوره ذاریات دروغ‌پردازان منحرف را ساهون خطاب کرده است.
الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ

"غمرة" در اصل به معنی آب فراوانی است که محلی را بپوشاند، سپس به جهالت و نادانی عمیقی که کسی را فرا گیرد اطلاق شده است و "ساهون" از ماده "سهو" به معنی هرگونه غفلت است، بعضی گفته‌اند نخستین مرتبه‌ی جهل "سهو و اشتباه" است، سپس "غفلت" و بعد از آن "غمره" می‌باشد.

بنا بر این، آن‌ها از مرحله‌ی سهو شروع می‌کنند، بعد به غفلت و بی‌خبری می‌انجامد، و در ادامه‌ی راه به‌طور کامل در "جهل" فرو می‌روند. جمع میان دو تعبیر "سهو و غمره" در آیه فوق ممکن است اشاره به آغاز و انجام این حرکت باشد.^{۱۱}

این مراحل در سوره ماعون نیز آمده است. مرحله اول بی‌توجهی به نماز است.^{۱۲} مرحله دوم این است که این بی‌توجهی فرد را به سوی ریاکاری سوق می‌دهد و غفلت او از خداوند افزایش می‌یابد. در مرحله آخر از انجام واجبات الهی سرباز می‌زند. زیرا یکی از مصادیق ماعون که در روایات به آن اشاره شده است، زکات می‌باشد.^{۱۳} با ندادن زکات و مانع شدن برای آن به‌طور کامل در جهل فرو می‌رود.

دشمنان ولی الهی

در بخشی از دعایی که از نائب دوم امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - ابوجعفر محمدبن عثمان عمری رحمت الله علیه به عنوان دعای فرج نقل شده است می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيكَ وَحُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ ... وَ الْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ وَ أَسْكِنَهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَ أَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَ أَصْلِبِهِمْ نَاراً وَ أَحْشِ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَ أَصْلِبِهِمْ حَرَّ نَارِكَ فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ وَ أَذَلُّوا عِبَادَكَ.

بار الها! از ولی و حجت خودت در زمین هراس دشمنش را کفایت کن ... و آن‌ها را در میان بلاد ملعون ساز و در درک اسفل جای ده و در محاصره شدیدترین عذاب خود درآور و آتشت را مستمر به آن‌ها برسان و قبور اموات آن‌ها را مملو از آتش کن و آتش سوزان خود را از آن‌ها دریغ مدار، که آن‌ها نماز را ضایع ساخته و پیروی شهوات کرده و بندگانت را خوار ساخته‌اند.»^{۱۴}

اول وقت نخواندن

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر آیه ۴ و ۵ سوره ماعون می‌فرماید:

«تَأخِيرُ الصَّلَاةِ عَنْ أَوَّلِ وَقْتِهَا لِغَيْرِ عُذْرٍ»^{۲۷}

«مراد از بی‌اعتنایی به نماز، تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است.»

یونس بن عمار از حضرت صادق علیه‌السلام پرسید: «الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ از وسوسه شیطان است؟ فرمود: «لَا كُلُّ أَحَدٍ يُصِيبُهُ هَذَا وَ لَكِنْ أَنْ يُغْفَلَهَا وَ يَدَّعِ أَنْ يُصَلِّيَ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا - نه، وسوسه به هر کس می‌رسد، بلکه منظور آن است که از نماز غفلت کند و در اول وقت نخواند.»^{۲۸}

اقوامی که خداوند مذمتشان فرمود

امام علی علیه‌السلام فرمود: «لَيْسَ مِنْ عَمَلٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الصَّلَاةِ - لَا تَسْتَعْلَنُكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا أُمُورٌ الدُّنْيَا فَإِنَّ اللَّهَ ذَمَّ أَقْوَامًا اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا فَقَالَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي غَافِلِينَ - هیچ عملی نزد خدا محبوب‌تر از نماز نیست، پس مبدا هیچ کاری از کارهای دنیا، شما را از نماز در اول وقتش باز بدارد، برای این‌که خداوند اقوامی را به همین جرم مذمت نموده و فرموده: "الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ" کسانی که در امر نماز و اوقات آن سهل‌انگاری می‌کنند؛ یعنی غافلند.»^{۲۹}

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «فَإِنَّ فِي تَأخِيرِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ غَضَبَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»^{۳۰}

«تأخیر نماز از اول وقت بدون دلیل، موجب غضب خداوند متعال می‌گردد.»

دعا و نفرین نماز

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کسی که نمازهای واجب را در اول وقت ادا کند و حدود آن‌ها را حفظ نماید، فرشته آن را سپید و پاکیزه به آسمان برد. نماز (به نمازگزار) گوید: خدا تو را نگاه دارد همان‌گونه که مرا نگاه داشتی، مرا به ملکی بزرگوار سپردی. و کسی که نمازها را بی‌سبب به تأخیر اندازد و حدود آن‌ها را حفظ نکند، فرشته نماز او را سیاه و تاریک به آسمان برد در حالی که نماز با صدای بلند به نمازگزار گوید: مرا ضایع کردی، خدای تو را ضایع کند آن‌چنان که مرا ضایع کردی، و خدا تو را رعایت نکند، آن‌چنان که تو مرا رعایت نکردی.»^{۳۱}

جرات شیطان در فریب انسان

نبی اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اند: «همیشه شیطان از کار مؤمن در وحشت است مادامی که از نمازهای پنج‌گانه محافظت می‌کند. پس هنگامی که آن‌ها را ضایع ساخت بر او جرات پیدا می‌کند و او را داخل در گناهان بزرگ می‌کند.»^{۲۴}

والله مرا ملاقات نمی‌کند

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در یک بیان قهرآمیز، با صراحت چنین خطاب فرمودند: «لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ لَأَ يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَأَ وَاللَّهِ»^{۲۴} «آن کس که نماز را سبک شمرد (به خدا قسم) روز قیامت در کنار حوض کوثر، با من ملاقات نخواهد کرد.»

این تأکید و بیان همراه با قسم، حکایت از عمق فاصله بین ولی الهی و و نماز گزارانی که به نماز اهمیت نمی‌دهند دارد.^{۲۵}

به شفاعت نمی‌رسد

در هنگام شهادت امام صادق علیه السلام جریانی رخ داد که وقتی ابو بصیر آمد به «ام حمیده» تسلیم عرض کند، ام حمیده گریست، ابوبصیر هم که نابینا بود گریست بعد «ام حمیده» به ابو بصیر گفت:

ابو بصیر نبود و لحظه‌ای آخر امام را ندیدی، جریان عجیبی رخ داد.

ابوبصیر عرض کرد: چه چیزی؟

فرمود: امام در یک حالی فرو رفت که تقریباً حال غشوه‌ای بود. بعد چشم‌هایش را باز کرد و فرمود:

تمام خویشان نزدیک مرا بگویند، بیایند بالای سر من حاضر شوند. ما امر امام را اطاعت و همه را دعوت کردیم. وقتی همه جمع شدند، امام در همان حالات که لحظات آخر عمرش را طی می‌کرد یک مرتبه چشمش را باز کرد، رو کرد به جمعیت و همین یک جمله را فرمود:

إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَنْ تَنَالَ مُسْتَحِفًّا بِالصَّلَاةِ - هرگز شفاعت ما به مردمی که نماز را سبک بشمارند، نخواهد رسید.» این را گفت و جان به جان آفرین تسلیم کرد.^{۲۶}

ضایع کنندگان نماز

ارتباط ویل با ضایع کنندگان نماز و سهل انگاران در نماز نشان‌دهنده‌ی آن است که هر دو یک گروه هستند که با تعبیرات مختلف از آن‌ها یاد شده است.

امام کاظم علیه السلام درباره آیات ۴ و ۵ سوره ماعون فرمود: «هُوَ التَّضْيِيعُ - کسی است که حق نماز را ضایع کند.»^{۱۵}

پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به اصحاب خود فرمودند:

«لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتِكُمْ، فَإِنَّ مِنْ ضَيِّعِ صَلَاتِهِ خُسْرٌ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ وَ فِرْعَوْنَ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يَدْخُلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُتَأَفِّقِينَ فَأَلْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيَّ صَلَاتِهِ وَ آدَاءِ سُنَّةِ نَبِيِّهِ

یاران من! نمازتان را تباه نکنید، زیرا هر کس نماز خود را تباه سازد روز قیامت با قارون و هامان و فرعون محشور می‌شود. پس در این حال شایسته است که خداوند او را همراه منافقان به آتش افکند. و ویل برای کسی است که نمازش را مراقبت و حفاظت نکند و سنت پیامبرش را به‌جا نیاورد.»^{۱۶}

و نیز فرموده اند: «الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ وَ مَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلُ وَ الْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ - نماز ستون دین است پس هر که ترک کند نماز خود را عمداً به تحقیق که خراب کرده است دین خود را و هر که ترک کند وقت‌های آن‌را، در ویل داخل شود؛ و ویل وادی است در جهنم.»^{۱۷}

قرآن در آیه ۱۵ سوره مریم به ضایع کنندگان نماز اشاره فرموده است:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

«آن‌گاه پس از آنان (پیامبران و انسان‌های صالح)، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و از هوس‌ها را پیروی نمودند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.»

«کلمه "اضاعوا" از ضیاع است، که ضیاع هر چیزی به معنای فساد و یا از بین رفتن آن است، از این جهت که آن‌طور که باید، سرپرستی نشود، مثلاً وقتی گفته می‌شود "فلان اضاع المال" - فلانی مال را ضایع کرد" که با سوء تدبیرش آن را محافظت نکرد و از دست داد، و در جایی مصرف کرد که نباید می‌کرد.

معنای جمله "فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ..." این است که به جای آنان که خدا انعامشان کرده بود و طریقه‌شان خضوع و خشوع برای خدای تعالی بوده همواره با عبادت متوجه او می‌شدند، قومی آمدند و قائم مقام ایشان شدند که آن‌چه را از آنان گرفتند یعنی نماز و توجه عبادی به سوی خدای سبحان را ضایع کرده و در آن سهل‌انگاری نمودند، بلکه

به کلی از آن اعراض کردند، و در عوض شهوات را پیروی کردند، و در نتیجه همان شهوات، ایشان را از مجاهده در راه خدا و توجه به او مانع گردید.

از همین جا روشن می‌شود که مراد از ضایع کردن نماز فاسد کردن آن است، به این که در آن سهل‌انگاری و بی‌اعتنایی کنند، و در نتیجه کار به جایی برسد که آن را بازپچه قرار دهند و در آن دخل و تصرف نمایند، و سر انجام بعد از قبولش به کلی ترکش کنند و ضایعش گذارند.

پس این که بعضی‌ها گفته‌اند: مراد از ضایع کردن نماز ترک آن است خیلی حرف صحیحی نیست، چون ترک، به کلی ضایع کردن را نمی‌گویند، و عنایت دو آیه شریفه متعلق به این نکته است که دین الهی از آن طبقه‌ی صالح به این طبقه خلف ناصالح آن‌ها منتقل گردید، و حق جانشینی آنان را درباره دین ادا نکردند، و آن چه را از نماز به ارث برده بودند ضایع گذارند.^{۱۸}

پس «ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می‌خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.»^{۱۹}

«در حدیثی که در بسیاری از کتب دانشمندان اهل سنت آمده، چنین می‌خوانیم: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگامی که آیه فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ ... را تلاوت کرد، فرمود:

يَكُونُ خَلْفٌ مِنْ بَعْدِ سِتِّينَ سَنَةٍ اَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَا ثُمَّ يَكُونُ خَلْفٌ يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لَا يَعْدُوا تَرَاقِيهِمْ، وَ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ ثَلَاثَةَ مِائَةٍ وَ مَنَافِقُ وَ فَاجِرٌ:»
بعد از شصت سال، افرادی به روی کار می‌آیند که نماز را ضایع می‌کنند و در شهوات غوطه‌ور می‌شوند و به زودی نتیجه گمراهی خود را خواهند دید، و بعد از آن‌ها گروه دیگری روی کار می‌آیند که قرآن را (با آب و تاب) می‌خوانند ولی از شانه‌های آن‌ها بالاتر نمی‌رود (چون نه از روی اخلاص است و نه برای تدبر و اندیشه به خاطر عمل، بلکه از روی ریا و تظاهر است و یا قناعت کردن به الفاظ، و به همین دلیل اعمال آن‌ها به مقام قرب خدا بالا نمی‌رود).^{۲۰}

«اگر این سخن در اوایل سال اول هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین علیه‌السلام و سال به قدرت رسیدن یزید است.»^{۲۱}

«از عبارت "يَلْقَوْنَ غِيَا" معلوم می‌شود که کیفر ضایع کردن نماز، سردرگمی است.»^{۲۲}
پس وقتی افراد جامعه در نماز سهل‌انگار شوند دچار سردرگمی شده و کم‌کم کارشان از غفلت به جایی می‌رسد که نماز می‌خوانند ولی اولیاء الهی را به شهادت می‌رسانند. این نتیجه نماز بی‌روح و بی‌عمل و ضایع شده است.

چند روایت دیگر درباره بی‌توجهی به نماز

پانزده عذاب

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ به سؤال زهرای اطهر سلام‌الله‌علیها در مورد عذاب کسی که نماز را کوچک شمارد فرمود:

ای فاطمه، هر کس چه مرد باشد و چه زن، نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می‌نماید: شش چیز در سرای دنیا، و سه چیز هنگام مرگ، و سه چیز در قبرش، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر.

مصیبت‌هایی که در دار دنیا بدان مبتلا می‌گردد عبارتند از:

۱- خداوند، خیر و برکت را از عمر او برمی‌دارد.

۲- خداوند، خیر و برکت را از روزی‌اش برمی‌دارد.

۳- خداوند- عزّ و جلّ- نشانه صالحان را از چهره او محو می‌فرماید.

۴- در برابر اعمالی که انجام داده پاداش داده نمی‌شود.

۵- دعای او به سوی آسمان بالا نمی‌رود و مستجاب نمی‌گردد.

۶- هیچ بهره‌ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود.

و مصائبی که هنگام مرگ به او می‌رسد بدین ترتیب است:

۱- با حالت خواری و زبونی جان می‌دهد.

۲- گرسنه می‌میرد.

۳- تشنه جان می‌سپارد، به گونه‌ای که اگر آب تمام رودخانه‌های دنیا را به او بدهند، سیراب نگشته و تشنگی‌اش برطرف نخواهد شد.

و مصیبت‌هایی که در قبرش بدان گرفتار می‌گردد بدین قرار می‌باشد:

۱- خدا فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برکند.

۲- خداوند گور را بر او تنگ می‌گرداند.

۳- قبرش تاریک می‌شود.

و مصائبی که در روز قیامت، هنگام بیرون آمدن از قبر، بدان مبتلا می‌شود، عبارت است از:

۱- خداوند فرشته‌ای را بر او می‌گمارد تا در حالی که مردم به او می‌نگرند، او را به رو بر زمین بکشد.

۲- سخت از او حساب می‌کشند.

۳- خداوند هرگز نظر رحمت به او ننموده و از بدی‌ها پاکیزه‌اش نمی‌گرداند، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود.^{۲۳}